

## عنوان مقاله:

تدوین مدل ساختاری بی رمقی زناشویی براساس خود تمایز یافتگی و باورهای ارتباطی با میانجیگری هوش هیجانی میان زنان با تجربه طلاق عاطفی

## محل انتشار:

سومین همایش بین المللی علوم تربیتی، مشاوره، روانشناسی و علوم اجتماعی (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

## نویسندگان:

آذر غفرانی - کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه پیام نور واحد سمنان

فاطمه بیانفر - استادیار مشاوره خانواده دانشگاه پیام نور واحد سمنان

## خلاصه مقاله:

طلاق عاطفی نوعی جدایی خاموش اطلاق می شود که به لحاظ قانونی و شرعی اتفاق نیفتاده و مرد و زن بنا بر ملاحظاتی و به ناچار در زیر یک سقف به ظاهر زندگی می کنند. این پژوهش با هدف تدوین مدل ساختاری بی رمقی زناشویی بر اساس خود تمایز یافتگی و باورهای ارتباطی با میانجیگری هوش هیجانی در میان زنان با تجربه طلاق عاطفی انجام شد. تحقیق حاضر، از بعد هدف، کاربردی و از حیث شیوه انجام تحقیق، در زمره تحقیقات توصیفی پیمایشی و همبستگی می باشد. جامعه آماری تحقیق حاضر، شامل کلیه زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره مشهد که تعداد آنها بالغ بر ۵۰۰ نفر بوده است. بر طبق جدول مورگان، حجم نمونه آماری تعداد ۱۴۰ نفر تعیین، که پرسشنامه ها بین آنها به صورت نمونه گیری در دسترس توزیع شد. ابزار گردآوری پژوهش پیش رو پرسشنامه استاندارد بوده است که از پرسشنامه باورهای ارتباطی آیدلسن و اپشتاین (۱۹۸۱)، پرسشنامه تمایز یافتگی خود اسکورن و فریدلندر (۱۹۹۸)، پرسشنامه بی رمقی پین و نونز (۲۰۰۳) و پرسشنامه هوش هیجانی گارنفسکی، کرایچ و اسپینهاون (۲۰۰۱) استفاده گردید. نتایج نشان داد باورهای ارتباطی بر هوش هیجانی تاثیر مثبت و مستقیم و معنی دار دارد. خود تمایز یافتگی بر هوش هیجانی تاثیر مثبت و مستقیم و معنی دار دارد. باورهای ارتباطی بر بی رمقی زناشویی تاثیر منفی و معنی دار دارد. خود تمایز یافتگی بر بی رمقی زناشویی تاثیر مثبت و مستقیم و معنی دار دارد. همچنین، هوش هیجانی بر بی رمقی زناشویی تاثیر منفی و معنی دار دارد. باورهای ارتباطی با واسطه گری هوش هیجانی بر بی رمقی زناشویی تاثیر مثبت و مستقیم و معنی دار دارد. بر پایه این یافته ها میتوان نتیجه گرفت که گریز پیاپی از تجربه رخدادهای تنش زای رابطه و توان اندک این زوجین در بازسازی رابطه، زمینه بی رمقی آنها را فراهم می آورد. بنابراین نیاز است در مداخله های درمانی، خانواده درمانی و آموزشهای خانواده توجه ویژه ای به خود تمایز یافتگی، باورهای ارتباطی و هوش هیجانی صورت پذیرد.

## کلمات کلیدی:

بی رمقی زناشویی، خود تمایز یافتگی، باورهای ارتباطی، هوش هیجانی، طلاق عاطفی

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/2028531>

